

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۰۸

جمعه ۲ فروردین ۱۳۹۸، ۲۲ مارس ۲۰۱۹

سالی که گذشت سال کارگر و کمونیسم بود

گفتگوی کانال جدید با حمید تقوایی
بمناسبت فرا رسیدن سال نو



سیما بهاری: اگر بخواهیم نگاهی به سال گذشته داشته باشیم، نکات برجسته مثبت و منفی در این سال چه بود؟
حمید تقوایی: سال گذشته به نظر من سال کارگر و کمونیسم بود. اگر کسی بخواهد خیلی واقع بینانه نامی برای سالی که گذشت انتخاب کند به همین نام میرسد: کارگر و کمونیسم. سال کارگر به این معنی که جنبش کارگری در سطح وسیعی سر بلند کرد. سال گذشته سال مبارزات و اعتصابات سراسری بود و فعالین کارگری نه فقط برای خواستههای مشخص کارگران بلکه برای آنچه همه جامعه خواستار آن بود قد برافراشتند و به چهره های سرشناس و محبوبی در کل جامعه بدل شدند. اسماعیل بخشی ها و سپیده قلیانها سال گذشته

صفحه ۱۳

کارگران تصمیم بیشرمانه حکومت درمورد افزایش دستمزد را نمی پذیرند

صفحه ۵

مردم سیل زده گلستان و مازندران به کمک فوری نیاز دارند

صفحه ۱۴

ایران در سالی که گذشت

انترناسیونال می پرسد:

حمید تقوایی، اصغر کریمی، مصطفی صابر و نسان نودینیان پاسخ می دهند

صفحه ۲

کارگران در سال ۹۷

شهلا دانشفر

صفحه ۶

بازتاب هفته:

* ایجاد تفرقه در میان مردم موقوف!-حسن صالحی

* نامه سپیده قلیان از زندان سپیدار اهواز

* سپیده قلیان یک سین از هفت سین-شیرین شمس

* دختران و تربیت اسلامی!-داود رفاهی

صفحه ۹

حکومت اسلامی، حکومت مافیای دزدی و قاچاق

کاظم نیکخواه

صفحه ۱۱

کمک مالی به حزب

لیست شماره ۴

صفحه ۱۲

آخر سال و اعتراضات کارگری علیه نپرداختن دستمزدها و دیگر اجحافات

(اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران)

صفحه ۱۲

سوسیالیسم راه نجات ما است!

سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

مرگ بر سرمایه داری و
دولت دزد سرمایه داران!

زنده باد سوسیالیسم!

زنده باد
حزب کمونیست کارگری!

زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند. گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم،
اراجیف شان را باور نکنیم. تا

بیش از چهل سال است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماما خالی شده است. سالها استثمارمان کرده اند و هر وقت نخواستند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و

ایران در سالی که گذشت

انترناسیونال می پرسد:

حمید تقوایی، اصغر کریمی، مصطفی صابر
و نسان نودینیان پاسخ میدهند



اصغر کریمی

بر کدام مولفه ها باید انگشت گذاشت؟

اصغر کریمی: سه جنبش سیاسی در ایران حضور فعال دارند جنبش ملی اسلامی، ناسیونالیسم پرو غرب (یا در واقع جنبش طرفدار دول غربی و مشخصا دولت آمریکا و مشخص تر طرفدار جمهوریخواهان) و جنبش کمونیسم کارگری. جنبش ملی اسلامی جنبشی برای سرنگونی نیست و هرچه جمهوری اسلامی موقعیتی بحرانی تر پیدا میکند و جنبش سرنگونی قوی تر میشود، این جنبش بیشتر موقعیتش تضعیف و بحرانی میشود، نیرو از دست میدهد و بخش هایی از آن تجزیه میشوند و بطرف سرنگونی، اساسا ناسیونالیسم پروغربی، میروند بویژه از خیزش دیماه ۹۶ که جنبش سرنگونی با قدرت در صد شهر کشور به میدان آمد روند تضعیف و تجزیه این جنبش سرعت بیشتری گرفته است. ناسیونالیسم پروغرب، وسیع و پرامکانات است و از حمایت رسانه ها و دولت آمریکا و کم و بیش سایر دول غربی برخوردار است اما پراکنده و بی حزب است. در سال گذشته تلاش فشرده ای برای بازسازی و سازمانیابی خود شروع کرده است اما تاکنون بجایی نرسیده است. شديدا تحت فشار فضای چپ و رادیکالی است که در سالهای

یک کلمه اینست: سازمان پیدا کنید! در مبارزه علیه حکومت و نظام ضد انسانی موجود متحد و متشکل بشوید. خواست وهدف ما مردم، نود و نه در صدهای ایران، بزرگ کشیدن حکومت ضد انسانی جمهوری اسلامی است. خواست واحد سازمانیابی واحد را ممکن و ضروری میکند.

حول نه به فقر و فلاکت، نه به بیحقوقی زن و آپارتاید جنسی، نه به شلاق و شکنجه و سیستم قصاص اسلامی، نه به سرکوب و بازداشت و پرونده سازیهای امنیتی علیه فعالین جنبشهای حق طلبانه، و حول نه به نظام جمهوری اسلامی در هر موقعیتی که هستیم در محله و کارخانه و دانشگاه، متشکل و متحد بشویم. به گفتمان نان آزادی اداره شورائی دامن بزنیم و از مبارزات و اعتصابات جاری در جامعه پیگیرانه حمایت کنیم. مدیای اجتماعی را وسیعا به کار بگیریم، شوراهاى سرنگونی را در هر محله و منطقه و شهر تشکیل بدهیم و تجمعات و تظاهرات و اعتصابات سراسرى را تدارک ببینیم. و بالاخره فراخوان من به همه مردم آزاده ایران اینست: برای پیشبرد مبارزه درهمه این عرصه ها به حزب خود، به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید!

انترناسیونال: موقعیت

جنبش ما در مقابل جمهوری اسلامی را چگونه ارزیابی میکنید؟ کمبودها و نقاط قوت کدامند؟ برای پیشروی

گفتند و به چهره هاى سرشناس و محبوب تبدیل شدند، گزارش مبارزات کارگری در صدر اخبار قرار گرفت و در جامعه و در رسانه ها و مدیای اجتماعی در داخل و خارج کشور انعکاس گسترده ای پیدا کرد. این یک تحول کیفی و نقطه عطفی در روند جنبش کارگری و رابطه آن با جامعه بود.

یک نتیجه مستقیم عروج جنبش کارگری در سال گذشته، مطرح شدن چپ متشکل و نقش و فعالیت نیروهای کمونیستی نظیر حزب کمونیست کارگری در جامعه و رسانه ها و مدیای اجتماعی و حتی در میان مقامات و رسانه های حکومتی بود. رژیم از ما کمونیستها بعنوان حامیان جنبش کارگری، متحدکننده مبارزات هفت تپه و فولاد اهواز، نیروی گسترش دهنده اعتراضات و غیره به گمان خود "افشاگری" کرد، و جواب محکمی از جامعه گرفت. مستند سازی "طراحی سوخته" نماد زبونی حکومت و قدرت چپ در جامعه بود. طراحی سوخته نشان داد که اولاً جنبش کمونیستی و احزاب کمونیست ارتباط تنگاتنگی با جنبش کارگری دارند و ثانیاً ترقیهای زبوانه حکومت علیه کمونیستها نه تنها تأثیری ندارد بلکه به حرکتی به ضد خود حکومت تبدیل میشود.

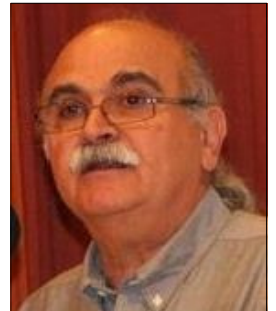
این نقطه عزیمت شورانگیزی برای ادامه و گسترش مبارزه در سال تازه است. پیام من به کارگران و مردم آزاده ایران در

بیکاری و گرانی، پرونده سازیهای امنیتی و "مستند سازیهای" حکومت علیه زندانیان سیاسی، مساله زندان و شکنجه، دادگاههای اسلامی و غیره، از جمله مسائلی بود که میتوان گفت جنبش کارگری به نمایندگی از اکثریت قریب به اتفاق مردم

حمید تقوایی

علیه آن بپا خاست. چهره هاى نظیر اسماعیل بخشی و سپیده قلیان کل سیستم زندان و شکنجه و دادگاههای رژیم را بچالش کشیدند و خواستار مناظره با مقامات در مورد شکنجه و علنی شدن بیدادگاههای اسلامی شدند و به این ترتیب کل جامعه را در برابر سیستم قضائی ضد انسانی حاکم نمایندگی کردند. از سوی دیگر خواست اداره شورائی کارخانه که بوسیله اسماعیل بخشی در دوره اعتصاب کارگران هفت تپه مطرح شده بود بازتاب وسیعی پیدا کرد و به یک گفتمان و خواست عمومی در میان فعالین و درمیدای اجتماعی تبدیل شد. با شعار اداره شورائی طبقه کارگر به مدیران و کارفرمایان مفتخور و دولتشان اعلام کرد: کنار بروید، خودمان اداره میکنیم. این شعار در واقع نه تنها جمهوری اسلامی بلکه هر نوع نظام و دولت جدا از مردم و مافوق مردم را بچالش میکشید.

این تحولات جنبش کارگری را در محور و راس جنبش سرنگونی قرار داد. در دل این مبارزات فعالین جنبش کارگری رودرروی رژیم قرار



حمید تقوایی

انترناسیونال: ویژگی های سال گذشته از نقطه نظر شما کدامها بودند؟ چه مولفه هایی سال گذشته را متفاوت کرد؟ پیام تان به کارگران و مردم آزادیخواه در سال جدید چیست؟

حمید تقوایی: سالی که گذشت را باید سال کارگر و کمونیسم نامید.

مهمترین ویژگی سال گذشته سر بلند کردن و اوجگیری جنبش کارگری در ابعادی اجتماعی بود. جنبش کارگری در واقع پرچمی که خیزش دیماه ۹۶ برافراشته بود را با تجمعات و راهپیمائی ها و اعتصاب سراسری در اهتزاز نگاهداشت. اعتراضات کارگری به سطح شهرها کشیده شد، خانواده های کارگران را بسیج کرد و بمیدان آورد و حمایت بخشهای مختلف جامعه را جلب کرد. راهپیمائی کارگران هیکو، اعتصاب سراسری کارگران راه آهن، اعتصاب سراسری رانندگان کامیون، تحصن و اعتصابات سراسری معلمان، اعتصاب پرشکوه کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز نمونه های درخشان مبارزه کارگران در سال گذشته بودند. اما اهمیت این مبارزات تنها در ابعاد و کمیت آن نبود. در این مبارزات شعارها و خواستهائی مطرح شد و بازتاب اجتماعی یافت که خواست و حرف دل همه مردم بود. مساله فساد و دزدی و چپاول سران و مقامات حکومتی، فلاکت و

ایران در سالی که گذشت



باید نقش موثرتر و همه جانبه تری در این زمینه ایفا کند و این کمبود را بدرجه زیادی رفع کند. و فراخوان من به کمونیست ها و کلیه فعالین رادیکال جنبش های حق طلبانه این است که برای تعیین تکلیف سیاسی جامعه و کسب قدرت سیاسی، باید یک حزب قدرتمند داشت و این نیازی عاجل است. نباید فرصت را از دست داد.

انترناسیونال: راست و چپ برای اهداف متفاوتی تلاش میکنند. ارزیابی شما از موقعیت این جنبشها چیست؟ جامعه به کدام سو متمایل است؟

مصطفی صابر: واضح است که در جامعه ایران شعارها، مطالبات و اشکال مبارزاتی چپ آشکارا دست بالا دارد. اینرا ما روشنتر از همیشه در تحولات سالی که گذشت دیدیم. برای مثال شعار "اداره شورایی" که در اعتصاب کارگران هفته تپه مطرح شد، چنان ابعاد سیاسی یافت که همه را مهیوت کرد. این پیشروی کارگر و کمونیسم نه فقط در چهارچوب ایران که در ابعاد جهانی برای دهه ها بی سابقه بوده است. در عوض راست به طور کلی چندان با اقبال روبرو نیست. یک جنبش مهم راست یعنی جنبش "دوم خرداد" و اصلاح جمهوری اسلامی تقریباً تماماً از صحنه خارج شده و قدرت بسیج چندان ندارد. جنبش دیگر راست، یعنی ناسیونالیسم پروغرب، در

مصطفی صابر فضای سرنگون طلبی که بعد از دی ماه ۹۶ به وضعیت دیفالت جامعه ایران تبدیل شده، البته پیشروی هایی داشته است. اما این پیشروی ها مقطعی و گذرا بوده و هر بار چپ با قدرت بیشتری خودش را

بردن از سوسیالیسم در آنجا یک تابو بود. این نیز عامل تقویت کننده ای برای کمونیسم در ایران است و جنبش کمونیستی را در موقعیت تازه ای قرار میدهد.

برای پیشروی بیشتر خیلی کارها باید کرد و من اینجا ترجیح میدهم به یکی از این کارها اشاره کنم. پایگاه اجتماعی کمونیسم بسیار وسیعتر از چیزی است که عرض اندام کرده است. امروز در هر کارخانه و مدرسه و دانشگاهی و در جنبش ها و حرکت های اعتراضی حق طلبانه کمونیسم نقش بارزی ایفا میکند. اما بدلائل مختلف و از همه موثرتر فقدان کامل آزادی عمل کمونیسم و تحزب کمونیستی در یک قرن گذشته، مانع بزرگی بر تصوری است که بسیاری از کمونیست ها از خود دارند. کمونیسمی که رسالت خود را تعیین تکلیف قدرت سیاسی نمیداند و در حاشیه جامعه مانده است. بعضاً فکر میکنند که اصلاً حزبی لازم نیست چون قدرت سیاسی را مساله خود نمیدانند یا کمونیسم را بطور کلی در این موقعیت نمیبینند و همچنان نقش گروه فشار بر احزاب بورژوازی را بازی میکنند. این تلقی را باید عوض کرد و این بخشی از تلاش هر روزه ما است. تلاش ما این است که نه تنها در عرصه تئوریک و نظری و سیاسی بلکه با حضور همه جانبه تر در فعالیت میدانی و در جنبش ها و اعتراضات جاری در جامعه، هژمونی بیشتری کسب کنیم و هم

خطی فکری سیاسی و عملی را در بعدی وسیعتر ایجاد کنیم. حزب ما اکنون در موقعیتی است که میتواند و

جامعه تبدیل کرد. این اعتصابات چنان جایگاهی داشت که رسانه های بورژوازی را بطور محسوسی پشت سر خود کشاند. و عجین بودن این جنبش با کمونیسم و تأثیرات کمونیسم بر اعتصابات و اعتراضات کارگری، شعارها و گفتمان های آن، چنان آشکار بود که جمهوری اسلامی را به واکنش واداشت و طراحی سوخته را سرهم بندی کرد اما این نیز به برجسته کردن حضور کمونیسم و حزب کمونیست کارگری انجامید. این اولین بار بود که از امام جمعه تا مجلس و صدا و سیما و تعدادی دیگر از رسانه های حکومتی در مقیاس علنی و بطور آشکار و از موضعی کاملاً دفاعی به مصاف جنبش کمونیستی آمدند. این بخوبی جایگاه و موقعیت جدید کمونیسم را در ایران نشان میدهد.

هر دو گرایش در اپوزیسیون راست، چه تمکین به چپ و چه شمشیر بستن از رو علیه کمونیسم و عکس العمل جمهوری اسلامی در مقابل کمونیسم، گواه آشکاری از پیشروی کمونیسم در مقیاس اجتماعی و تبدیل شدن آن به وزنه سیاسی مهم و غیر قابل حذفی در فضای سیاسی ایران است که در اعماق جامعه ریشه دوانده است. همه فاکتها و شواهد گویای این است که دوره آتی دوره رشد سریعتر این روند است.

در مقیاس جهانی نیز شاهد فضای جدیدی هستیم و گفتمان سوسیالیستی در حال پیشروی است. یک جغرافیای مهم این گفتمان آمریکا است که تا ده سال قبل حتی اسم

گذشته در ایران تقویت شده است. در مقابل این فشار بخشا در شعارها و گفتمان های خود به خواست هایی مانند سکولاریسم و علیه اعدام و برخی آزادی های سیاسی تمکین میکند و بخشا بطور عریان تر دشمنی اش را با کمونیسم بیان میکند. هر دو گرایش در اپوزیسیون راست ناشی از پیشروی کارگر و کمونیسم در صحنه سیاسی و اعتراضی در جامعه است.

سال ۹۷ در واقع سال برآمد کارگر و کمونیسم و حزب کمونیست کارگری بود. و این اتفاقی نبود. در سال های گذشته کارگر وسیعاً به میدان آمده است. جنبش های حق طلبانه دیگر نیز خودآگاهی بهتری یافته و قدرتمندتر از همیشه عرض اندام کرده اند. خیزش انقلابی دیماه ۹۶ نقطه ای در ادامه ای روند بود. و اعتصابات قدرتمند کارگری و جنبش رهایی زن که با دختران خیابان انقلاب نقش و جایگاه خود را بیش از هر زمان به نمایش گذاشت، ادامه دیماه بود. دی ۹۶ و روند بعد از آن جنبش ملی اسلامی را در ضعیف ترین موقعیت تاریخی خود و کارگر و کمونیسم را در بهترین موقعیت خود قرار داد. اعتصابات قدرتمند با شیوه ها و تاکتیک های درخشان خود که جامعه را پشت خود بسیج کرد و اعتصابات سراسری بخش هایی از مراکز کارگری و معلمان و رانندگان کامیون ها، اعتصاب قدرتمند سراسری در کردستان، تجمعات رادیکال بازنشتگان، تحرکات دانشجویی در همبستگی با کارگران و اسماعیل بخشی، گفتمان های کمونیستی و چپ را به گفتمان اصلی

مطرح کرده است. برای مثال به یاد بیاورید چقدر بی بی سی و من و تو و دیگر رسانه های راست سعی کردند شعار "رضا شاه روحش شاد" را مطرح کنند و بر سر زبانهای بیندازند، اما هربار یک موج چپ و رادیکال از دل جامعه جوشیده و جلو آمده و اینگونه تلاش ها را کنار زده است. الان میشود گفت که شعارها و آرمانها و گفتمان های چپ چنان مطرح است که راست را در مواردی به دنبال خود میکشاند.

با اینهمه، جدال راست و چپ در جامعه ایران موضوعی سرانجام یافته نیست و نمی تواند هم باشد. چرا که مهمترین مساله امروز جامعه، یعنی تلاش و مبارزه مردم برای رهایی از شر جمهوری اسلامی، سرانجام نیافته است. جدال اصلی چپ و راست اکنون بر متن این مبارزه جامعه معنا می یابد. البته با سرنگونی جمهوری اسلامی هم جدال چپ و راست تمام نمی شود اما تماماً وارد فاز جدیدی میشود. در شرایط فعلی جدال اصلی بین چپ و راست اساساً آنجایی صورت میگیرد که هم چپ و هم راست در تلاش است تا به رهبر مبارزه مردم و تلاش جامعه برای سرنگونی جمهوری اسلامی تبدیل شود. این فاز بسیار تعیین کننده است زیرا که موفقیت هر کدام در این مرحله، یا بعبارت دیگر بدست آوردن هژمونی آرمانی

ایران در سالی که گذشت



دمکرات کردستان عراق صف بندی کرده اند. در صف مقابل راست، چپ و یا به بیان روشن تر کمونیسم در کردستان حضور فعال دارد. اطلاعیه مشترک ۵ سازمان و جریان سیاسی و اعتصاب عمومی مردم کردستان در ۲۱ شهریور علیه اعدام، و سپس همکاری و انتشار بیانیه مشترک (کنفرانس کلن آلمان) توسط ۴ سازمان سیاسی از اقدامات جدی بود. اما در سال ۹۷ حزب کمونیست کارگری تلاش آگاهانه و برنامه ریزی شده را برای تاثیر گذاری در جهت سازماندهی توده ای اعتراضی انجام داد. اعتصابات چند باره معلمان و استقبال گرم و شکوهمند معلمان از اعتصابات سراسری در ۱۲ اردیبهشت، ۲۲ و ۲۳ مهر. ۲۲ و ۲۳ آبان. ۲۵ بهمن و ۱۲ و ۱۳ اسفند افق اعتراض رادیکال و چپ جامعه را تقویت کرد. اعتصاب و اعتراضات دامنه دار مردم شهرهای بانه، جوانرود، مریوان، سقز علیه بستن مرزها و مارشهای اعتراضی کارگران بیکار و کولبران با نمایش سفره های خالی، اعتراضات خیابانی علیه جاده های ناامن، مارش روز جهانی کارگر در شهر سنندج، مراسمهای با شکوه و رنگین زنان و مردان در ۱۷ اسفند روز جهانی زن، جمع آوری امضا و طومار حمایت از اسماعیل بخشی در مراسمهای چهارشنبه سوری و نوروزی جلوه های باشکوه اعتراض و مبارزه در کردستان بوده است. در سال ۹۷ صفحه ۵

است و اضافه کنیم؛ کردستان توسط ده ها نهاد مدافع حقوق انسانی رادیکال، دینامیک و فعال است. سخنگویان و رهبران کارگر، معلمان، زنان در کردستان عروج کرده اند. ده ها نفر از این طیف و طرفداران و فعالین محیط زیست شخصیتهای شناخته شده ای هستند. به این اعتبار کردستان تحزب یافته و با حضور ده ها نهاد و صداها فعال کارگری، زنان، معلمان و فعالین زیست محیطی و ... صف بندی شده است. احزاب از قدیم و از ۴ دهه گذشته وجود داشته اند و جبهه و صفهای چپ و راست جامعه در سمپاتی و مخالفت با این احزاب تعریف شده است. چپ و کمونیستهای جامعه با مبارزات کارگری جنبش رهایی زن و حاکمیت توده ای و شورایی مردم تداعی و سپس با عروج کمونیسم کارگری شهرها به مرکز ثقل و سازماندهی جامعه تبدیل شد. از دو دهه گذشته و با تبدیل شهرها به مراکز مهم اعتراض کارگر و زنان و بسط مبارزه طبقاتی جایگاه و موقعیت نهادهای اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار شدند. با توجه به این نکات نیروهای سیاسی یا احزاب سیاسی در سال ۹۷ موقعیت یکسانی نداشته اند. موقعیت سیاسی و اعتراضی جامعه در سطح سراسری قطعاً بستری شده است برای دخالتگری چپ و راست جامعه. راست جامعه با تشکیل ائتلاف های مختلف از کنگره ملی کردستان تا ائتلاف ۵ گانه دو حزب دمکرات، دو باند زحمتکشانشان نودینیان

سیاسی و ظاهر نشدن در قامتی است که جامعه از آن می طلبد. اینجاست که نقش حزب کمونیست کارگری برای فائق آمدن بر این ضعف ها و تامین یک رهبری سیاسی منسجم و کمونیستی برای پیروزی مردم ایران تعیین کننده تر از همیشه است.

انترناسیونال: چه ارزیابی ای از موقعیت نیروهای سیاسی در کردستان دارید؟ سال گذشته کدام نیروها در کردستان نقش اساسی ایفا کردند؟ نقش ناسیونالیسم در تحولات آتی را چگونه می بینید؟ پیشروی جنبش ما در کردستان در گرو چه فعالیتهایی است؟

نسان نودینیان: اگر مقصود شما از موقعیت نیروهای سیاسی، احزاب سیاسی است ترجیح میدهم قبل از پرداختن به موقعیت احزاب و نیروهای سیاسی به مهمترین نیروی اجتماعی که البته نیروی مبارزاتی، اعتراضی - سیاسی توده های مردم، است بپردازم. از نظر من سال ۹۷ سال تحولات مهم سیاسی - اجتماعی در سطح سراسری و در کردستان بود. نیروی مهم و محرک این تحولات کارگران، معلمان، زنان، طرفداران زیست محیطی، ده ها نهاد اجتماعی از طرفداران حقوق کودک (کودکان کار و خیابانی که در کردستان فعال هستند) تا نهاد بخشش و توده وسیع مردم ناراضی از حکومت اسلامی، بوده اند. قبلها ما میگفتیم کردستان "پولاریزه" یا تحزب یافته است، احزاب مسلح هستند و این چاشنی خوبی بود برای برجسته کردن پولاریزیم کردستان. اما، الان باید بگوییم؛ کردستان تحزب یافته

راست است که به آن امکان نمی دهد در سطح جامعه محبوبیت و اقبال وسیع و پایداری بدست آورد. سرنگون طلبی که همین امروز توده وسیع مردم، بویژه کارگران و زنان و جوانان در نظر دارند بسیار فراتر از افق و چهارچوبه هایی می رود که راست میتواند تحمل کند. البته در کنار این نقطه ضعف ها راست یک نقطه قوت بزرگ و مهم دارد و آن این است که طرف حساب و طرف معامله و مورد پشتیبانی قدرت های بین المللی و منطقه ای است. اما حتی برای اینکه از این نقطه قوتش استفاده کند باید بتواند بخش های وسیعی از جامعه را پشت سر خودش بیاورد. و دقیقاً همینجاست که راست مشکل دارد.

چپ به نظر من تنها راه حل واقعی جامعه ایران است. تنها چپ و کمونیسم است که میخواهد جمهوری اسلامی را تماماً از ریشه درآورد. تنها یک آلترناتیو سوسیالیستی میتواند به خواست های بر حق سیاسی و اقتصادی جامعه جواب دهد. "اداره شورایی" که در جامعه ایران با آن اقبال روبرو شد، در شکل عالی و بسط یافته اش چیزی جز همان حکومت شورایی و جمهوری سوسیالیستی که ما میگوییم نیست. خواسته های سیاسی مردم از آزادی بی قید و شرط سیاسی تا جدایی همه جانبه مذهب از دولت تا خواست های رفاهی و اقتصادی مردم تنها در حکومت انسانی میتواند تحقق پذیرد که حرمت و آسایش انسانها مبنای آنست. البته چپ هم نقطه ضعف های خاص خودش را دارد. مهمترین آن جورنیسم

و سیاسی و سازمانی در مبارزه مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی، چپ یا راست را در موقعیتی بهتر برای شکل دادن اوضاع بعد از جمهوری اسلامی قرار میدهد.

به اعتقاد من در این جدال چپ از موقعیت بی نظیری برای پیروزی برخوردار است و میتواند به نماینده نه مردم به جمهوری اسلامی تبدیل شود. راست خواهان سرنگونی همه جانبه جمهوری اسلامی و برچیدن کل بساط سرکوب و جهل و جنایت اسلامی نیست. میخواهد تا آنجا که ممکن است دستگاه دولتی و لاقل بخش هایی از آن را دست نخورده نگه دارد. میکوشد تا مذهب و خرافه را تا آنجا که ممکن است حفظ کند و حتی خرافه های جدید ملی و نژادپرستانه ای را به آن اضافه کند. با اداره امور توسط مردم و ارگانهای اعمال اراده مستقیم آنها شدیداً مشکل دارد و آنرا هرج و مرج و نابودی جامعه میدانند. از لحاظ اقتصادی هم راست راه حل چندان بهتری از خود جمهوری اسلامی موجود ندارد. میخواهد تقدس سرمایه و مالکیت خصوصی را حفظ کند و ظرفیت چندان برای تحمل اعتراض و مبارزه کارگران ندارد. منطق جهانی سرمایه حکم میکند که کارگران تا اطلاع ثانوی به ریاضت اقتصادی تن بدهند و خاموش باشند. رفاه و بهداشت عمومی، تحصیل مجانی و غیره این روزها حتی در کشورهای پیشرفته غربی هم مورد تعرض سرمایه داری درگیر یک بحران ساختاری همه جانبه است، چه رسد به جایی مثل ایران. دقیقاً همین خاصیت ها و محدودیت های

از صفحه ۴

ایران در سالی که ...

اعتراضات در کردستان با سطح سراسری هماهنگ بوده و این مساله نقطه قدرت و پیشروی کمونیستها در کردستان است. نقش ناسیونالیسم و موقعیت کمونیسم و چپ در کردستان دو مولفه جدی هستند. به هر درجه حزب (ما) حزب کمونیست کارگری ایران) و چپ در کردستان پیشروی داشته، موقعیت ناسیونالیسم کرد ضعیف و حاشیه ای شده است. برای ما کمونیسم کارگری شهرها و مبارزات شهری، اعتصاب و راه پیمایی، تجمع و سازماندهی توده ای، دخالت در سیاسی و رادیکال کردن ده ها نهاد مدنی و اجتماعی، ارتباط روتین با آنها و شخصیت‌های مهم سیاسی، هنری و ... مهمترین فاکتورهایی بوده که به آنها پرداخته ایم. برای ناسیونالیستها چشم دوختن به دول غرب و قرار گرفتن در چرخه بازی های دول غربی، راه حل‌های از بالا و بند و بست و مذاکره مخفی با آنها و البته با حکومت اسلامی، پروژه هایی است که بکار گرفته اند. در کردستان حزب دمکرات کردستان ایران در راس احزاب ناسیونالیستی و بورژوایی قرار دارد. حزب دمکرات در ارتباط با تحولات مهم اجتماعی و اعتصابات معلمان و مراسم های روز کارگر و روز جهانی زن منشا اثر جدی نبوده است. ناسیونالیسم و کردایه تی و راه حل‌های فدرالیستی کماکان شعار احزاب ناسیونالیستهاست. اخیرا طیف هایی از به اصطلاح چپ از طیف فداییان خلق همراه با دو حزب دموکرات و دو باند مهتدی - ایلخانی زاده تشکیل "همبستگی برای آزادی و

برابری در ایران" را اعلام کرده اند. جالب این است نام شکل اینها آزادی و برابری است به این معنی آزادی و برابری شعار چپ و کمونیستها در اعتراضات است، اما اینها در این شکل راه حل فدرالیستی را پیش کشیده و اعلام کرده اند. این مساله خود گواه و شاهدهی است بر موقعیت احزاب ناسیونالیست و راه حل‌های آنها. اینها مجبورند با شعار آزادی و برابری اعلام موجودیت کنند و سپس زیر این تیتیر فدرالیسم و قوم‌گرایی شان را مطرح کنند. و این به این معنی است که کمونیسم در کردستان و راه حل‌های کمونیستی ما همسرنوشتی طبقاتی جامعه، حاکمیت توده ای و شورایی و دخالت نیروهای سیاسی و موثر جامعه می‌رود دست بالا پیدا کند و ناسیونالیستها در تنگنا قرار گیرند. تمامی این فاکتورهای مثبت به این معنی نیست که کمونیسم در کردستان ناسیونالیستها را در صحنه سیاسی - اجتماعی بیرون انداخته است. ناسیونالیستها امکانات تبلیغی بیشتری دارند، به اقلیم کردستان و حاکمیت ناسیونالیستی احزاب کرد متکی هستند و از این کانال در مذاکرات و بند و بست‌های مخفی با دولتهای منطقه برای راه حل‌های ارتجاعی و برقراری حاکمیت از نوع اقلیم کردستان دارند آماده میشوند. در هر حال سال ۹۷ سال جدل اجتماعی - سیاسی کارگران و مردم در کف خیابان و بویژه در شهرها بود. و میدان دخالت و تاثیر گذاری چپ و کمونیستها هم بمراتب بازتر شده است.*

کارگران تصمیم بیش‌رمانه حکومت درمورد افزایش دستمزد را نمی پذیرند

شورایعالی کارحکومت حداقل دستمزد سال ۹۸ را با ۳۶ درصد افزایش، یک میلیون و ۵۱۶ هزار تومان تعیین کرد. این یک تصمیم جنایتکارانه طبقه مفتخور حاکم، تصمیمی میلیاردر استثمارگر، تصمیمی مشتی دزد و فاسد علیه طبقه کارگر است. اما کارگران اینرا نمی پذیرند و با گسترش اعتصاب و اعتراض به آن پاسخ خواهند داد. شکل های مختلف کارگری، معلمان و بازنشستگان در بیانیه ها و تجمعات و اعتصاباتشان از قبل اعلام کرده اند که حقوق ها باید بالای ۷ میلیون تومان باشد. ۳۶ درصد افزایش دستمزد کارگران با توجه به تورم لگام گسیخته به معنی فقر بیشتر، بیماری و افسردگی بیشتر، کودکان کار بیشتر، ترک تحصیل تعداد بیشتری از کودکان و گسترش مصائب اجتماعی مانند اعتیاد و تن فروشی و از هم پاشیدن خانواده های بیشتر و گسترش انواع خشونت های اجتماعی است.

ندارد. روشن است که همین ۳۶ درصد را در وحشت از گسترش اعتصاب و اعتراض و در وحشت از یک خیزش عظیم توده ای افزایش داده اند. مردم میگویند هزینه هایی که صرف سیاست جنایتکارانه تان در منطقه میکنید، هزینه گله آخوند و امام جمعه ها، هزینه بیت رهبری، هزینه هایی که صرف وزارت اطلاعات و سایر ارگانهای سرکوب میکنید، باید صرف افزایش حقوق ها و صرف تحصیل و بهداشت رایگان و بیمه بیکاری به میلیون ها بیکار و سایر خدمات اجتماعی شود.

حکومت تلاش میکند تحریمهای اقتصادی را مسئول شرایط معیشتی فلاکتبار کارگران قلمداد کند، اما تا کنون حقوقهای نجومی مقامات و مسئولین مفتخور حکومتی از هر تحریمی مصون مانده است! همانطور که کارگران و مردم در تجمعاتشان بارها اعلام کرده اند دشمن ما همینجا است.

حزب کمونیست کارگری تصمیم جنایتکارانه جمهوری اسلامی درمورد دستمزد سال ۹۸ را شدیداً محکوم میکند و از کلیه کارگران، و همینطور معلمان و بازنشستگان و از کلیه خانواده ها میخواهد که خود را برای اعتصابات و تجمعات بزرگ اعتراضی آماده کنند.

پیش به سوی اعتصابات و اعتراضات سراسری

حزب کمونیست
کارگری ایران
۲۹ اسفند ۱۳۹۷،
۱۹ مارس ۲۰۱۹

امروز طبقه کارگر در راس یک جنبش عظیم توده ای علیه فقر و فلاکت به میدان

۳۶ درصد افزایش دستمزد در حالی است که دولت اعلام کرده بود توان افزایش بیش از ۲۰ درصد را



KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 11766
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 5/6

کارگران در سال ۹۷



شهلا دانشفر

سال ۹۷ سال درخشش جنبش کارگری در جلوی صحنه سیاسی جامعه با گفتمان های آزادیخواهانه و برابری طلبانه بود. سال ۹۷ سال به چالش کشیدن سرمایه داری وحشی حاکم در کف خیابان از سوی کارگران، معلمان، بازنشستگان و بخش های وسیعی از مردم معترض بود. به این اعتبار سال ۹۷ نمادی از حضور برجسته چپ، کمونیست و گفتمان های حزب در راس جنبش کارگری و مبارزات جاری در سطح جامعه بود. سال ۹۷ در عین حال سال همبستگی ها و اتحاد مبارزاتی بخش های مختلف طبقه کارگر و نود و نه درصدی های جامعه علیه سرمایه داری حاکم و مصائب آن بود. بدین ترتیب سال ۹۷ نقطه عطفی در جنبش کارگری و جنبش انقلابی مردم برای خلاص شدن از شر جهنم جمهوری اسلامی و یک سال تاریخی بود. اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه، گروه ملی فولاد اهواز، اعتصابات سراسری کارگران شهرداری ها، آتش نشانی، راه آهن و اعتصابات قدرتمندی از نوع اعتصابات سراسری معلمان در بیش از ۱۱۰ شهر و رانندگان کامیون در بیش از ۳۲۰ شهر، اعتراضات قدرتمند کارگری در مراکزی چون هیکو و آذربایجان، تجمعات هر ماه و بعضا در چند روز متوالی در طول یکماه از سوی بازنشستگان، اعتراضات کارگران صنایع فولاد و نمونه های بسیاری دیگر از همین دست سرتیترهایی از اتفاقات شورانگیز جنبش کارگری در سال ۹۷ است. با قدرت این اعتراضات است که درب زندانهای حکومت ترک برداشته و میرویم تا آنها را تماما بگشاییم. و همه این پیشروها،

مستقل کارگری و مردمی است و با شعار نان، کار، آزادی، اداره شورایی نه فقط در برابر کارگران نیشکرهفت تپه بلکه در برابر کل جامعه راه نشان داد.

نقطه اوج مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه آبانماه و آذرماه بود که به خیابان کشیده شد. در آبانماه این اعتراضات در روز چهاردهم شروع شد و اعتصاب تا یازدهم آذر ادامه یافت. اکنون نیز یک خواست فوری کارگران آزادی رهبران اسماعیل بخشی است. دراعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه خانواده ها به میدان آمدند و در طول اعتصاب در کنار رهبران کارگری قرار گرفتند و از ادامه اعتراضاتشان سخن گفتند. سپس بدنبال سخنرانی تاریخی اسماعیل بخشی در ۲۵ آبان و تاکیدش بر درد مشترک همه کارگران و حمایت همه مردم از مبارزاتشان، شهر شوش به حرکت در آمد. یک تحول مهم در حرکت این روز و روز گذشته اش، حضور چشمگیر خانواده ها در پاسخ به فراخوان نمایندگان کارگران بود. کارگران گروه ملی فولاد اهواز در این روز با شعارهای "نیشکر هفت تپه، ما هستیم"، "فولاد، هفت تپه، اتحاد، اتحاد" پاسخ فراخوان کارگران هفت تپه به همبستگی را دادند. بدین گونه ۶ هزار کارگر هفت تپه و ۴ هزار کارگر گروه ملی با همبستگی شورانگیز خود یک گام تاریخی برداشتند و حضور صدها تن از اعضای خانواده های کارگری هفت تپه نیز به این جنبش فضای شورانگیزی داد و بازتاب گسترده ای

داشت. حرکت روز ۲۷ آبان کارگران نیشکر هفت تپه با سخنان اسماعیل بخشی از نمایندگان شورای کارگران آغاز شد. او در یکی دیگر از سخنرانی های تاریخی اش به موج گسترده همبستگی ها با مبارزات نیشکر هفت تپه اشاره کرد و گفت: "ما زیباترین اعتصابی که تا اکنون امکان داشته، بدون خشونت و بدون آسیب زدن به چیزی انجام داده ایم. حتی اعتصاب ما آنقدر زیبا و باشکوه بوده که مردم شوش، بازاریان، دانشجویان، معلمان هم به ما پیوستند." (کف زدن جمعیت). بدنبال این سخنان ادامه اعتصاب برای روز بعد را اعلام کرد. در این تجمعات شاهد لحظات شورانگیزی بودیم. معلم، استاد دانشگاه، دانشجو، کارگری از کارخانجات دیگر، همسر کارگران، هر کدام با بدست گرفتن میکروفون اعلام حمایت کرده و از همبستگی مبارزاتشان با یکدیگر سخن میگفتند.

این چنین بود که مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و در راس آن اسماعیل بخشی به صدای اعتراض کل کارگران و کل جامعه تبدیل شد و پژواک اعتراضاتشان در دانشگاه و در میان بخش های مختلف جامعه طنین انداخت. و این چنین بود که شبکه ای از همبستگی مبارزاتی شکل گرفت و با این اتفاقات جنبش آزادیخواهی قدرتمند تر از هر وقت قد علم کرد. این جنبش را با هیچ درجه از توحش و سرکوب نمیشود عقب زد.

در این مقطع یعنی بیست و هفتم آبانماه بود که جمهوری اسلامی که در برابر

اتفاقات شورانگیزی که در نیشکر هفت تپه و در کنارش در گروه ملی فولاد اهواز و در سطح جامعه خود را مغبون میدید، هراسان از طوفانی که بر پا شده و با شتاب به جلو میرفت، همانند همیشه به ابزار سرکوبش دست برد. از اینرو با یورش شبانه اسماعیل بخشی و اعضای هیات نمایندگی شورای کارگران هفت تپه همراه با سپیده قلیان خبرنگاری که اخبار این اعتراضات را رسانه ای میکرد، بازداشت شدند. با این دستگیری ها موجی از اعتراض در هفت تپه و در دانشگاهها و در همه جا به پا شد. شعار "اسماعیلو گرفتند ما همه بخشی هستیم" در دانشگاه و در هفت تپه سر داده شد. سرانجام بدنبال اعتراضات گسترده همه بازداشت شدگان به جز اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و علی نجاتی آزاد شدند. در چهارم دیماه فرزانه زیلایی، وکیل مدافع کارگران بازداشتی شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه از صدور قرار منع تعقیب برای ۱۵ عضو مجمع نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه که در جریان اعتراضات این کارگران بازداشت شده بودند، خبر داد. از سوی دیگر حکومت اسلامی تقلا کرد که حتی بصورت نمایشی هم که شده شورای اسلامی را در هفت تپه برپا کند. این خود به عرصه جدالی در این کارخانه تبدیل شد. در ادامه همه این اتفاقات سرانجام اسماعیل بخشی در ۲۱ آذر بعد از ۲۵ روز حبس و سپیده قلیان در ۲۷ آذر بعد از ۳۲ روز حبس آزاد شدند. پس از آن نیز علی نجاتی در هشتم دیماه تحت عنوان مرخصی استعلاجی از زندان مرخص

کارگران در سال ۹۷

شد.

اسماعیل بخشی بعد از گذشت یکماه از آزاد شدنش در ۱۴ دیماه از شکنجه های درون زندان اعلام شکایت کرد و وزیر اطلاعات یکی از بالاترین مقامات دستگاه سرکوب حکومت را به مناظره فراخواند. شکایت او در واقع کیفرخواست علیه کل بساط شکنجه و زندان بود و این اقدام جسورانه وی خود به جنبشی با عنوان "من هم شکنجه شده ام" تبدیل شد و جنبش دادخواهی علیه ۴۰ سال شکنجه و زندان حکومت اسلامی را به جلو آورد. سپیده قلیان نیز که در جریان همین دستگیریها در زندان زیر شکنجه و اذیت و آزار قرار گرفته بود، به کیفرخواست اسماعیل بخشی پیوست و از شکنجه های خود در زندان گفت. این اتفاقات بیش از پیش صدای اعتراض کارگران نیشکر هفته تپه، صدای اعتراض اسماعیل بخشی و صدای اعتراض مردم را علیه بساط سرکوب و شکنجه حکومت اسلامی جهانی کرد. بطوریکه بطور بیسابقه ای بزرگترین سازمانهای کارگری و انساندوست در سطح جهان به حمایت از آن برخاستند و انزجار خود را اعلام داشتند. این اتفاق ضربه ای دیگر بر بدنه حکومت و ماشین سرکوب و جنایتش بود. زیر فشار چنین جنبشی جمهوری اسلامی بر اسماعیل بخشی فشار آورد که شکایت خود را پس بگیرند. اما او و سپیده قلیان ایستادند و بر محاکمه علنی تاکید کردند و جامعه نیز به حمایتشان برخاست. انتهای این ماجرا پخش مفتضحانه "مستند طراحی سوخته" در بیست و نهم دیماه از صدا و سیما

جمهوری اسلامی بود. پخش این فیلم تحت عنوانی چون بخشی وابسته به حزب کمونیست کارگری بوده، سپیده قلیان کمونیست است و اینها همه طرحهای آمریکا و ضد انقلاب است و غیره حاکی از پرونده سازی های جدید علیه بخشی و قلیان بود. و این چنین بود که هر دوی آنها در سی ام دیماه دوباره بازداشت شدند. اما جامعه با شعار بخشی را گرفتید، ما همه بخشی هستیم، ما همه سپیده قلیان هستیم جوابشان را دادند.

پخش برنامه "مستند طراحی سوخته" از سوی جمهوری اسلامی بر خشم و نفرت مردم بیشتر دامن زد و سپیده قلیان در آخرین کلیپ ویدئویی که در مدیای اجتماعی قبل از دستگیری اش پخش کرده بود، مستند واقعی را در اختیار همگان گذاشت. در این کلیپ او جسورانه از شکنجه های وحشیانه رژیم اسلامی در زندان پرده برداشت. او از اینکه چگونه در زندان به عنوان یک زن با تحقیر و توهین و اتهامات "اخلاقی" زیر فشار شکنجه های جسمی و روحی قرار گرفته است، سخن گفت. سخنان او با موجی از حمایت روبرو شد. از سوی دیگر در واکنش به پخش "مستند" دست ساز شکنجه گران جمهوری اسلامی از صدا و سیما زیلایی وکیل اسماعیل بخشی با اعلام اینکه حتی بر اساس قوانین خود حکومت انجام این کار غیر قانونی و جرم محسوب میشود، از خواست موکلش بخشی مبنی بر برگزاری یک دادگاه علنی و

اجازه دفاع دادن به او در همان تریبونی که این مستند پخش شده است، خبر داد. در همین راستا ۲۱ وکیل دادگستری این گفته فرزانه زیلایی را تایید کردند. خلاصه کلام اینکه جمهوری اسلامی با پخش "مستند طراحی سوخته" و هیاهو بر سر "اعتراف" بخشی و قلیان و نجاتی و غیره و وصل کردن آنها به توطئه آمریکا و دشمن، و راه انداختن همان تبلیغات نخ نمای همیشگی تلاش کرد مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی را تخطئه کند. اما جامعه جوابش را داد.

یک نمونه زیبای آن تجمع اعتراضی بازنشستگان در دوم بهمن ماه در مقابل مجلس اسلامی با شعارهایی چون "توپ، تانک، مستند"، "شکنجه، مستند، دیگر اثر ندارد"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "صدا و سیما، ما، ننگ ما، ننگ ما" بود. در هشت مارس امسال در تهران نیز شاهد این بودیم که روز جهانی زن به سپیده قلیان تقدیم شد.

اکنون اسماعیل بخشی و سپیده قلیان همچنان در بازداشت بسر میبرند. در ادامه این سرکوبگرها جعفر عظیم زاده دبیر اتحادیه آزاد کارگران ایران و از رهبران سرشناس کارگری و پروین محمدی نایب رئیس این اتحادیه در نهم بهمن ماه بازداشت شدند. پروین محمدی بعد از اعتراضات بسیار آزاد شد، اما جعفر عظیم زاده با ۶ سال حکم در زندان است و جنایتکاران حکومت اسلامی تحت عنوان غیبت از مرخصی با گستاخی تمام او را به ۳۰ ضربه شلاق محکوم کرده اند. بعلاوه در این مدت شماری از معلمان و

کارگران معترض مورد سرکوب و تعرض قرار گرفته اند. اما کارگران و بخش های مختلف جامعه با مبارزات جانانه شان در برابری این سرکوبگری ها ایستاده اند و جنبش علیه شکنجه و زندان با قدرت ادامه دارد و اعتراض به مجازات های وحشیانه اسلامی و احکام شلاق حرکتی اعتراضی به راه افتاده است. اعتصاب سه روزه معلمان در روزهای ۱۲، ۱۳ و ۱۴ اسفند، جواب درخوری به این سرکوبگری ها و برای آزاد کردن معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی است که صدو ده شهر را دربرگرفت.

فولاد اهواز یک سنگر مهم در کنار نیشکر هفت تپه

سال ۹۷ کارگران گروه ملی فولاد اهواز با اعتراضات قدرتمندشان و با مارش عظیم شان در خیابانهای شهر، اهواز را به تحرک در آوردند. گروه ملی فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه دو سنگر مهم جنبش کارگری با دستاوردهای ارزشمند هستند. این کارگران در مبارزاتشان در سال ۹۷ توانستند توازن قوای سیاسی جامعه را به نفع مبارزات همه مردم تغییر دهند و با جلو آوردن گفتمان های رادیکال و انسانی، کارگر و چپ را در جلوی صحنه سیاسی جامعه قرار دادند. حضور فعال خانواده ها در این اعتراضات، جلو آمدن صفی از رهبران کارگری و سخنرانی های پرشور آنان در اجتماعات کارگران و با حضور وسیع مردم، پیوستن وسیع زنان و مردان آزادیخواه و بخش های مختلف مردم از جمله کارگران، معلمان، بازنشستگان به این اعتراضات همه و همه

ابعاد اجتماعی و به یاد ماندنی اعتراضات کارگران گروه ملی و نیشکر هفت تپه را بیان میکند. این دستاوردها، این پیشروی های ارزشمند را با هیچ درجه ای از سرکوب و دستگیری نمیتوان به عقب زد. مبارزات این کارگران تا همین جا شکست بزرگی برای حکومت اسلامی و یک پیشروی بزرگ برای کل جامعه است. از همین روست که مبارزات کارگران گروه ملی و فولاد اهواز در حلقه حمایت وسیع کارگران و بخش های مختلف مردم قرار گرفت و صدای اعتراض این کارگران را قدرتمند و رسا در دانشگاه ها و در میان بخش های مختلف جامعه انعکاس داد. این همبستگی ها بیش از هر چیز همسنوشتی طبقاتی ۹۹ درصدی های جامعه را به نمایش گذاشت.

کارگران گروه ملی فولاد اهواز بعد از یکماه اعتراض در اسفند ۹۶، در هشتم خرداد دور دیگری از اعتراضات خود را آغاز کردند. در جریان این اعتراضات ۵۲ نفر بازداشت شدند. بدنبال این دستگیری ها مبارزات کارگران گروه ملی فولاد اهواز وارد مرحله دیگری گردید. ۴ هزار کارگر گروه ملی فولاد اهواز همراه با خانواده های کارگران بازداشتی در مقابل این سرکوبگری ها جانانه ایستادند. بدنبال این اعتراضات تمامی بازداشت شدگان آزاد شدند. اعتراض کارگران گروه ملی فولاد اهواز به دستمزدهای پرداخت نشده و خطر تعطیلی تولید کارخانه و بیکارسازی ها بود. اما در اینجا نیز این کل بساط فقر، تبعیض، نابرابری و دزدسالاری حاکم به چالش کشیده شد. از جمله میثم آل مهدی در بخشی از سخنرانی

کارگران در سال ۹۷

و حمایت از آنان تاکید میکنند. در این بیانیه کارگران گروه ملی فولاد اهواز بر دستاوردهای مشخصی که در نتیجه مبارزاتشان داشته اند تاکید کرده و بر حفظ این دستاوردها به عنوان سکوی پرشی برای حرکت به جلوی خود تاکید کردند. این موارد به قرار زیر است:

مبارزات بازنشستگان جبهه شورانگیزی از جنبش آزادیخواهی

سال گذشته سال تجمعات هر ماهه و بعضاً چند روز متوالی در هر ماه بود. در این اعتراضات بازنشستگان در در مقاطع مختلف بعنوان مدافع سنگرهای پیشروی جنبش کارگری و جنبش های اعتراضی در سطح جامعه نقش مهمی ایفا کردند. افزایش حقوقها به بالای خط فقر، درمان رایگان برای همه، تحصیل رایگان برای همه کودکان و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی معلمان زندانی، کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی از جمله خواستهای آنها بوده است که همواره در تجمعاتشان فریاد زده اند. بازنشستگان همچنین با شعارهایی چون حکومت "سرمایه داری مفتخور نمیخواهیم"، "حکومت فقر و چپاول و شکنجه نمیخواهیم"، "دولت سرمایه دار حرف حالی نیست"، "حکومت سرمایه دار مفتخور نمیخواهیم"، "حقوقهای نجومی فلاکت عمومی"، "اگر که ما نبودیم، تو اون بالا نبودی،" حکومت

دستاوردهای مشخصی که در نتیجه مبارزاتشان داشته اند تاکید کرده و بر حفظ این دستاوردها به عنوان سکوی پرشی برای حرکت به جلوی خود تاکید کردند. این موارد به قرار زیر است:

بیرون انداختن موسوی از کارخانه، برپایی مجمع عمومی و نهادینه کردن گفتن شوراها، افشاء و بیرون کردن مدیران مافیایی، خارج کردن سهام اکسین از زیر چوب، پرداخت حقوقها به روز، جلوگیری کردن از دست اندازی به حق بیمه های اجتماعی کارگران، ورود مواد اولیه به کارخانه و جلوگیری از به تعطیلی کشیده شدن کارخانه. از جمله روشن نگاه داشتن چرخ سه کارخانه.

در عین حال کارگران فولاد اهواز در پیام نوروزی خود از نقاط درخشان اعتراضاتشان در سال ۹۷ سخن میگویند. از همبستگی های شورانگیز با مبارزاتشان و پیوند ناگسستنی اعتراضات بخش های مختلف طبقه کارگر و درد های مشترک همه مردم سخن میگویند. در این پیام کارگران فولاد اهواز از قدرت اعتصاب متحدانه شان و دستاوردهای مبارزاتی شان سخن میگویند. در این پیام این کارگران بر قدرت اتحادشان بعنوان پیام اصلی مبارزات خود در سال ۹۷ و اینکه هیچ سطحی از تهدید، ارباب، زندان و اخراج، نفاق و ناامیدی نمیتواند این اتحاد را بشکند سخن میگویند. در این پیام کارگران فولاد تعرض به اسماعیل بخشی، محمد حبیبی، جعفر عظیم زاده و دیگر فعالان کارگری در بند را به عنوان تعرضی به خود محکوم کرده و بر همبستگی

خود در تجمع اعتراضی روز ۲۹ مرداد ماه کارگران گروه ملی فولاد اهواز چنین گفت: "ما کارگریم. ما اهرم اقتصادی دست کسی نیستیم. یعنی هیچ سرمایه داری نمیتواند بیاید ما را اهرم قرار دهد برای اینکه اقتصادش بهتر شود. ما کارگریم. ما خود چرخه صنعتیم. ما قدرت خودمان را میدانیم. ما باید شورای مستقل کارگری خود را تشکیل بدهیم." دور بعدی اعتراضات کارگران گروه ملی فولاد اهواز از نوزدهم آبانماه آغاز شد. تجمع اعتراضی هر روزه این کارگران و مارش آنها در خیابانهای شهر و شعارهای کوبنده شان، بار دیگر شهر اهواز را به تحرک در آورد.

بدنبال ۳۶ روز مبارزه جانانه کارگران گروه ملی فولاد اهواز حکومت اسلامی نگران از ابعاد اجتماعی مبارزات این کارگران در روزهای بیست و ششم و بیست و هفتم آذرماه دست به دستگیری های شبانه زد و در جریان آن ۴۱ نفر از کارگران بازداشت شدند. این دستگیری ها به خشم کارگران دامن بیشتری زد و اعتراضات گسترده تری را در پی داشت. همبستگی های جهانی گسترش یافت و بدنبال کارزاری گسترده تمامی بازداشت شدگان آزاد شدند. در عین حال به کارگران توانستند به بخشی از خواستههایشان برسند.

کارگران گروه ملی فولاد اهواز طی پیامی به مناسبت فرارسیدن سال ۹۸ عزم جزم خود را برای پاسداری از دستاوردهایشان اعلام کرده اند. در این پیام کارگران گروه ملی فولاد اهواز بر

#WPIranNews

News - Worker-communist Party of Iran

دعوا اساساً بین دو اردوی اصلی در جامعه است.



"دعوا اساساً بین دو اردوی اصلی در جامعه است. اردویی که معتقد است آدمها به دنیا میآیند تا برای یک موجودی به اسم سرمایه کار کنند و به اندازه ای که بتوانند دوباره فردا صبح رمق داشته باشند بیلند توی بازار پول بگیرند و بروند معاش خودشان را تأمین کنند، یا یک اردویی که میگوید که آدمها برآیند، افراد آزاد هستند، مساوی هستند و جامعه باید از هر کس به اندازه استعدادش استفاده بکند و به هر کس به اندازه نیازش مایحتاج را در اختیارش بگذارد. جامعه ای که در آن آدمها کالا نیستند، نیروی کارشان را نمیبرند توی بازار بفروشند بلکه چون شهروند هستند، به صرف اینکه دنیا آمده اند یک حقوقی دارند از نظر اقتصادی، و باید تأمین بشود، از غذا و معاش و مسکن و غیره تا نیازهای سیاسی و فرهنگی، نیازهای آموزش و پرورش، بهداشت، طب و غیره را نظام حق مردم میداند. در نتیجه جنگ بین دو اردوی اساسی سرمایه یا سوسیالیسم است."



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

www.wpiiran.org
www.facebook.com/wpiinternational

را باید در روند رو به جلوی جنبش انقلابی مردم بعد از خیزش دی ماه ۹۶ دید. در آن مقطع ما از عروج چپ و رادیکالیسم در راس جنبش های اعتراضی در سطح جامعه سخن گفتیم و امروز در سیر رو به جلوی آن جنبش انقلابی مردم هر روز با شعارها و خواسته های چپ تر و رادیکال تری به جلو گام برداشته و دارد در کف خیابان سوسیالیسم را فریاد میزند. زنده باد انقلابی انسانی برای جامعه ای انسانی.*

کارگر زندانی،

زندانی سیاسی،

آزاد باید گردد!

شلاق و شکنجه نمیخواهیم"، بطورواقعی کل بساط سرمایه داری وحشی حاکم را به چالش کشیده اند. در عین حال وقتی حکومت اسلامی به سرکوبگریهایش شدت داد. "مستند طراحی سوخته" اش را به تلویزیون آورد، بازنشستگان با شعارهای مستند، شکنجه، دیگر اثر ندارد، توپ، تانک، فشفشه دیگر اثر ندارد پاسخ محکمی به گستاخی رژیم دادند و خواستار آزادی زندانیان سیاسی شدند. با چنین مبارزات بازنشستگان نقش مهمی در شفافیت دادن به خواسته های واقعی سوسیالیسم و انسانیت را فریاد زدند.

نگاهی به همه اعتراضاتی که بر شمرده نشان میدهد که چگونه کارگر، معلم، بازنشسته، دانشجو، و بخش های مختلف جامعه همچون ارکستر واحدی عمل میکنند و هماهنگ و زیبا سرود آزادی و برابری سر میدهند. واقعیت مهمتر اینکه همه این اتفاقات

سپیده قلیان یک سین از هفت سین



شیرین شمس

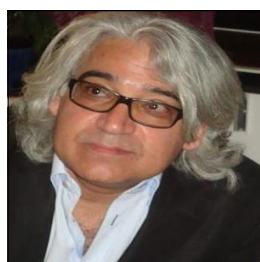
روز پنجشنبه اول فروردین ۱۳۹۸، خانواده سپیده قلیان با در دست داشتن شعارهایی برای آزادی فرزندان مقابل دادسرای شوش تحصن کردند و با این اقدام نسبت به بلاتکلیفی این زن شجاع و مبارز اعتراض خود را نشان دادند.

در یکسال گذشته خانواده های زیادی در حمایت از فرزندان دربندشان، پا به عرصه مبارزه گذاشته و در مقابل زندانها، بازداشتگاهها و دادسراها تجمع کردند. گرچه این رویکرد خانواده ها رویکرد جدیدی نیست، اما با اعتراضی تر و رادیکال تر شدن جامعه و پیشروی جنبش های مبارزاتی، نسبت به گذشته، خانواده های بیشتری از تهدیدهای نیروهای امنیتی گذر کرده، و به صفوف مبارزه برای آزادی فرزندان و دیگر زندانیان سیاسی و

فعالین دربند پیوسته اند که این یکی از فاکتورهای مهم قدرت بخشی به جنبش سرنگونی طلبی در ایران است؛ چرا که جمهوری اسلامی حکومتی است که بر زندان و شکنجه استوار است و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، مبارزه با این حکومت محسوب می شود. اما تحصن این خانواده ای که با روزها را با بلاتکلیفی فرزند خود سپری می کنند، روز پنجشنبه اول فروردین ۹۸، این پیام را به حکومت سرکوبگر میدهد که با آغاز شدن سال، مبارزه جامعه برای رهایی از شر این حکومت ضدانسانی نه تنها متوقف نمی شود بلکه از سر گرفته میشود.

بموازات تلاش خانواده سپیده برای آزادی اش در روزهای گذشته، فراخوانی در شبکه های اجتماعی منتشر شد که در حمایت از سپیده قلیان یکی از "سین" های سفره هفت سین ها به "سپیده قلیان" اختصاص داده شود. این فراخوان بخوبی نشان میدهد که سپیده قلیان با شجاعت و جسارت و افشاگریهای خود از شکنجه های که در زندان بدست

بازتاب هفته زیر نظر کیوان جاوید



حسن صالحی

در اخبار آمده بود که میان گروه هایی از ساکنین دوشهر اندیمشک و دزفول درگیریهای رخ داده است که منجر به مصدوم شدن شماری شده است. خبرگزاریهای جمهوری اسلامی علت بروز این درگیریهای را تعیین محدوده مرزی بین دو شهر اعلام کرده اند.

اینکه دقیقا چه کسانی زمینه ساز بروز چنین حوادث تاسف بار شده اند دقیقا معلوم نیست ولی تردیدی در این نیست که جمهوری اسلامی مسبب همه این تنش هایی است که میان مردم شکل میگیرد. و حتی بیشتر از این، بطور قطع با جابجایی محدوده مرزی میان این دو شهر باندهایی نفع یا زیان میبرند و مردم را به جان هم می اندازند تا منافع شان تامین شود. نفس بروز چنین اتفاقاتی هشدار دهنده است. هشدار دهنده است چرا که مردم را به جان هم می اندازد و دشمن را دلشاد می کند. اندیمشک و دزفول هر دو جز شهرهای ایران هستند. همه شهرهای ایران و ساکنین آنها تحت حاکمیت جمهوری اسلامی هستند. علت همه بدبختی های مردم ایران جمهوری اسلامی است که چهل سال آزگار زندگی مردم را مچاله کرده است. هر جا که جمهوری اسلامی یعنی دشمن مشترک مردم به باد فراموشی سپرده می شود، حکومتیان به ریش آن مردم خواهند خندید و از چنین

ماموران سرکوبگر حکومت شده بود، توانسته توجه و حمایت های بسیاری از زنان، جوانان، دانشجویان، فعالین و بطور کل از حمایت مردم معترض ایران به وضع موجود را ماههای گذشته دریافت کند.

همزمان با آغاز سال نو، سپیده قلیان، به مناسبت نوروز از زندان سپیدار اهواز خطاب به مردم ایران نامه ای نوشته که امید به تغییر در این نامه موج میزند و هر خواننده ای را متوجه استقامت و شجاعت سپیده می کند. سپیده از بطن اعتراضات و اعتصابات گسترده و رادیکال جاری در جامعه در یکسال گذشته، از دل جنبش حق طبانه، آزادیخواهان و مدافع برابری، و از نسل سرکشی که جمهوری اسلامی توان مقابله در هیچیک از عرصه های سیاسی و فرهنگی با آن را ندارد بیرون آمد و توانست در جدال کارگران، زنان، دانشجویان و دیگر طیف های جامعه با جمهوری اسلامی، با ایستادگی و جسارت فضای سیاسی را متحول کند و با

صفحه ۱۰



ایجاد تفرقه در میان مردم موقوف!

نزاعهایی برای منفعت خود بهره برداری خواهند کرد.

مردم هیچ منفعتی در این نزاع ها ندارند و در مبارزه علیه جمهوری اسلامی هم سرنوشت هستند. این روحیه همبستگی و هم سرنوشتی یکی از نقاط مثبت مبارزات مردم در سال گذشته بود. به خاطر بیاورید که چطور در همان جنوب کشور کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز از همدیگر حمایت و پشتیبانی کردند. به یاد بیاورید که چطور در میان هزاران کارگران هفت تپه با پیشینه های قومی و مذهبی متفاوت اتحاد صفوف کارگران در مقابل سرمایه داران حفظ و پایداری شد. به سرود کارگران هفت تپه بیاندیشید که به چند زبان مختلف خوانده شد ولی یک پیام مشترک را علیه سرمایه دار و دولت فریاد زد. به یاد بیاورید که چطور کارگران تهران، اهواز، اراک، کرمانشاه، عسلویه، کردستان، معلمان کرمانشاه و بسیاری جاهای دیگر شروع به فرستادن پیام های همبستگی به کارگران هفت تپه کردند. به خاطر بیاورید که چه ولوله ای در میان دانشگاههای ایران در حمایت از مبارزات کارگری راه افتاد و حتی گروههایی از دانشجویان از تهران به صف کارگران در شوش پیوستند تا همبستگی خود را حضورا با آنها ابراز کنند.

جامعه ایران در این شرایط حساس به این نوع همبستگی های مردمی نیاز دارد. کمونیست ها و فعالین پیشرو و آگاه باید توطئه های

صفحه ۱۰

نامه سپیده قلیان از زندان سپیدار دلیم از مشعل‌های نور فروزان شد شماره‌ام را به دیوارها نوشتند دیوارها به چمنزارهای سبز بدل شد

سلام،

حس می‌کنم یک لایه از قلبم را برداشته‌ام. امروز آفتاب به صورت عمود به چشمانم تابید و یک آن همه چیز سیاه شد. من از دنیای صداها به سپیدار آمدم...

صدای تق تق دمپایی و باز شدن در سلول و کسی که می‌گوید: «ببین! گلمنت رو به حال خودش نذار. دو سه روزی به بار بشور»... حالا تمام این صداها جای خودشان را به تصاویر داده‌اند. دلتنگ می‌شوم اما به هیچ عنوان اندوهگین نیستم؛ البته نه به این معنی که شادمانم. بیش از هر چیز واهمه دارم. ترسی عین بختک به جانم افتاده است که مبادا به واسطه اتهام یا مسائلی از این دست خود را تافته‌ای جدا بافته بدانم و مرزی بین خود و خواهران گرفتار در بندم ایجاد کنم. تمام تلاشم این است که در رنج‌شان سهیم باشم و برای همین نه دیگر آزادی به قید وثیقه برایم اهمیت دارد نه اصلاً به این مسئله فکر می‌کنم.

فرصت گریستن ندارم. با تمام توانم سعی می‌کنم برخیزم. البته که در این مدت ننشسته‌ام اما انتظارم از خودم بیشتر از این حرف‌هاست. حالا دیگر یقین دارم که زندگی ابداً در دل خانه و



نقاشی از سپیده قلیان از زندان

درویش را برای هم‌بندی‌ام می‌خوانم. سپس برای نوزادی لالایی می‌خوانم که چند ماه پیش همین جا به دنیا آمده است. ای بهترین رنگ در سیاهی ممتد، این‌ها را نوشتم تا بدانی حالم بد نیست. به زودی بهار از راه می‌رسد. همه‌تان را به طبیعت و گل‌های لاله و بنفشه می‌سپارم.

سپیده از سپیدار
۹۷/۱۲/۲۰ - بند گل نرگس

بر گرفته از مدیای اجتماعی

من درست در قلب زندگی در بندی که نامش نرگس است شعری از محمود

سپیده قلیان یک سین ...

امنیتی مینشانند و به خیال خود اعتراف می‌گیرد، اما شعاری که امروز در جامعه جاریست؛ "نه زندان، نه تهدید، دیگه فایده نداره" در نامه سپیده کاملاً آشکار است. باید برای آزادی فوری و بی

قید و شرط سپیده قلیان و دیگر فعالین دربند، و مختومه اعلام کردن پرونده‌های امنیتی آنها، به مبارزه متشکل و گسترده سرعت و قوت بخشید. کنار خانواده‌های آنها بود و با طرق مختلف در داخل و خارج کشور این پیام را به آنها داد که "شما تنها نیستید."*

دختران و تربیت اسلامی! داوود رفاهی

به سر دختران می‌چسباندند، شلاق می‌زدند، زندانی می‌کردند، این روزها یک درمیان می‌گویند با سرکوب و بگیر و ببند کاری از پیش نمی‌رود.

چهل سال است با استفاده از هر وسیله و ترفندی، تلاش کرده‌اند که زنان را متقاعد به رعایت حجاب بکنند. اگر قرار بود زنان زیر بار "اقدامات" آنها بروند، باید سالها پیش می‌رفتند که از اسید و پوز و شلاق و زندان استفاده می‌کردند و خبری از "تبلیغ چهره به چهره" نبود. زنان بلافاصله بعد از به قدرت رسیدن اسلامیون در سال ۵۷ بر علیه حجاب وارد عمل شدند و این مخالفتشان تا به امروز ادامه داشته است.

هشت مارس امسال خود یکی از پاسخ‌های زنان به «تربیت اسلامی» (بود). دختران خیابان انقلاب نیز با جسارت به قوانین ارتجاعی اسلامی پاسخ داندان شکن دادند. در کوچه و خیابان نیز هر روز شاهد پاسخ زنان و دختران به خواهر زینب‌ها و حزب‌اللهی‌ها هستیم. بنابراین اساس حرف آیت الله‌هایی نظیر یزدی همین است که دیگر کار از کار گذشته است. زنان و همه مردم این جامعه در کمین نشسته‌اند تا آخرین ضربه را به نظام و تربیت اسلامی بزنند.*

ایجاد تفرقه ...

از صفحه ۹

همبستگی خود بر سر خواسته‌های انسانی و برحق مان را حفظ کنیم.*

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

باندهای حکومتی را با هوشیاری خنثی کنند و مردم را از شریک شدن در این درگیری‌ها برحذر دارند. ایجاد نفاق و نزاع بین مردم بر سر هیچ و پوچ سمی است که دشمنان مردم پخش می‌کنند. هشیار باشیم که به دام دشمن نیفتیم و اتحاد و

از صفحه ۹

سند افشاگری که به جا گذاشت، یک ضربه محکمی به این حکومت بزند. بی دلیل نیست که حکومت از چنین فعالیتهای هراس دارد، برایشان برنامه امنیتی می‌سازد، آنها را به زور مقابل دوربین‌های مأموران



کازم نیکخواه

حکومت اسلامی، حکومت مافیای دزدی و قاچاق

مردم را با مشقت و رنج و فشارهای زیاد همراه کرده است.

اعتراضات و مبارزات و اعتصابات کارگران و بخشهای مختلف مردم در اعتراض به این چپاول و بحران گسترده که زائده این سیستم است هرروز در جامعه جریان دارد و در ماههای اخیر نمونه های برجسته ای نظیر اعتصابات و اعتراضات کارگران نیشکر هف تپه، فولاد اهواز، پتروشیمی ها و بخشهای دیگر کارگران را شاهد بوده ایم. این اعتراضات علیرغم دستگیری فعالین و رهبران کارگران یک ذره فروکش نکرده و برعکس رو به گسترش است.

کل این وضعیت حکومت اسلامی را در بن بست جدی و کشنده ای قرار داده است. با وجود جمهوری اسلامی راهی برای برون رفت از این وضعیت وجود نخواهد داشت. نجات جامعه از این بحران و بن بست و سیستم سرمایه داری مافیائی و چپاولگر، بدون تردید در گرو به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و کل سیستم حاکم است. فضای جامعه بیانگر اینست که بخش قابل توجهی از مردم آشکارا به این نتیجه رسیده اند و به اشکال مختلف و باجسارت و از خود گذشتگی بسیار در این جهت یعنی خلاص شدن از شر جمهوری اسلامی تلاش و مبارزه میکنند.*

فاکتها بسیار زیاد و بسیار تکان دهنده و باور نکردنی است. در این زمینه کشاکشها و رقابتها و دعوای نیز مدام جریان دارد و حادثه میشود و سخن روحانی نیز جزئی از دعوای میان سپاه و دولت بر سر کنترل قاچاق و درآمدهای حاصل از آنست.

نکته دیگری که باید توجه داشت اینست که حکومت قاچاق و سیستم اقتصادی قاچاق نمیتواند برای مدت زیادی دوام بیاورد و الان میشود گفت به ته خط رسیده و دیگر کار نمیکند. بحران اقتصادی عمیقی کل سیستم جمهوری اسلامی را فرا گرفته است. گرانی و بحران و بن بست اقتصادی هرروز بیشتر و عمیق تر میشود و جمهوری اسلامی راه حلی برای برون رفت از این بحران ندارد. بدون تردید تا زمانی که جمهوری اسلامی بر سر کار است این بحران و بن بست اقتصادی عمیق تر و مهلک تر خواهد شد و عوارض آن فشار سنگین تری را بر گرده کارگران و مردم میگذارد. بیکاری، قیمتهای نجومی و گرانی فزاینده، رکود اقتصادی و نپرداختن دستمزدها و رشوه خواری و فساد اقتصادی و اداری جزء جدایی ناپذیر این سیستم است و زندگی اکثریت

از آنجا مواد مخدر خارج میکنند و کالاهای قاچاق وارد میکنند و پولهای عظیم و نجومی ای از قبل این خرید و فروش قاچاق به جیب میزنند. یک گزارش میگوید تنها در استان هرمزگان بیش از ۴۰ اسکله غیر رسمی در دست سپاه پاسداران وجود دارد که کالا و مواد قاچاق میکنند. نه فقط در جنوب بلکه در شمال و غرب و شرق کشور نیز پایانه های دریائی و زمینی توزیع کالاهای قاچاق متعلق به پاسداران فعالانه دارند کار میکنند. یک مشکل دولتهای همسایه ایران با جمهوری اسلامی همین مساله انواع و اقسام قاچاق است که نا امنی شدیدی را بر مرزها حاکم کرده است. نه فقط بنادر و اسکله های زمینی، بلکه سپاه پاسداران از فرودگاههای نظامی متعددی نیز برای قاچاق کالا و مواد به کشورهای مختلف استفاده میکنند. حتی این حکومت از قاچاق مواد مخدر بعنوان یک سلاح علیه رقبای سیاسیش استفاده میکند و با صدور وسیع مواد مخدر به برخی کشورها سعی میکند دولتهایشان را ناچار به سازش و همکاری کند. لاریجانی مدتی پیش تهدید کرد که اگر اعدام در ایران را ادامه دهد ما صدور و قاچاق هروئین و مواد مخدر به این کشورها را آزاد میکنیم!

بطور واقعی این فقط سپاه پاسداران نیست که مشغول قاچاق است. خود باندهای دولتی نیز از کانالها و بنادر و فرودگاههای رسمی برای انواع قاچاق استفاده میکنند.

دارد. کشاکش بر سر قاچاق و درآمدهای عظیم حاصل از قاچاق کالاهای مختلف از جمله مواد مخدر یک دعوای داغ و حاد و قدیمی در جمهوری اسلامی است. همه بیاد می آورند که احمدی نژاد در جریان همین رقابتها بر سر قاچاق سپاه پاسداران را "برادران قاچاقچی" خطاب کرد. و این اسم روی پاسداران ماند. در جریان همین دعوای شماری از قاچاقچی ها و میلیاردرهای متعلق به باند احمدی نژاد به محاکمه کشیده شدند و حتی اعدام شدند که یکی از آنها مه آفرید امیر خسروی بود که سال ۹۳ خیلی سریع اعدام شد. و دیگری بابک زنجانی است که مدتهاست زیر اعدام است. محاکمه اینها هم جزئی از این دعوای باندهای مافیائی درون حکومت است.

کلا حکومت اسلامی یک حکومت متکی به چپاول و قاچاق است. به دلیل سیاستها و انزوای بین المللی و بحران سازیهایش، مراوده رسمی و قانونی این حکومت با دنیا محدود است و بیشتر اقتصادش بر اساس چپاول داخلی و سیستم قاچاق در مرزها میچرخد. فعلا به آنچه در مرزها میگذرد اشاره داریم. مصادره و دزدی غارت مستقیم اموال و دارایی های مردم به بهانه های مختلف و بالا کشیدن دستمزدهای زیر خط فقر کارگران و امثال اینها در بحثهای جداگانه ای مورد بررسی قرار گرفته است.

گزارشهای مختلف حاکی از این است که سپاه پاسداران در مناطق مختلف بیش از ۱۰۰ اسکله بارگیری دارد که

اخیرا حسن روحانی رئیس جمهور اسلامی گفت که "مبارزه با قاچاق در مرزهای جنوب را به سپاه سپردیم اما از دستشان در میروند". این گفته عکس العمل سران سپاه پاسداران در اعتراض به روحانی را در پی داشت که وجود قاچاق گسترده در مرزها را انکار کردند و مدعی شدند که همه چیز تحت کنترل است. راست میگویند چیز چندانی از دستشان در نمیروند. کل قاچاق در دست خودشان است! روحانی نیز این را میداند که قاچاق در ایران یک روال هدایت شده و پذیرفته شده دولتی است. امروز همه کس بر این امر آگاه است که جمهوری اسلامی یک حکومت و دولت متعارف به مفهومی که میشناسیم نیست. بلکه همانطور که بارها تاکید کرده ایم و نشان داده ایم یک حکومت سرمایه داران مافیائی است. یعنی در قلمروهای مختلف دارودسته هایی حاکمیت میکنند و این دار و دسته ها بشدت با هم رقابت و تخاصم و جنگ و دعوا دارند. به شیوه همه جریانات مافیائی حیات اقتصادی این حکومت اساسا با قاچاق میچرخد. یعنی یک سیستم سرمایه داری نوع مافیائی حاکم است. حرف روحانی اعتراض به کل سیستم قاچاق نیست بلکه جزئی از دعوای بر سر سهم بخشهای مختلف از قاچاق است که سالهاست میان دولت و سپاه جریان

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

کمک مالی به حزب

در پاسخ به فراخوان حزب برای جمع آوری حداقل ۵۰ هزار یورو برای تامین نیازهای مالی ویژه ای که در این دوره حزب با آن روبروست، کمک های زیر در سه هفته اول جمع آوری شده است. صمیمانه از تمام عزیزانی که تاکنون به این فراخوان پاسخ داده اند قدردانی میکنیم و امیدواریم کلیه اعضا و دوستداران حزب و همه آنها

که قلبشان برای رهایی از شر جمهوری اسلامی و برای یک دنیای بهتر میطپد با کمک های خود و مراجعه به دوستانشان تلاش کنند حداقل ۱۰۹۴۰ یورو دیگر جمع آوری شود.

سوئد ۲۷۰۰۰ کرون
سهیلا خسروی ۵۰ یورو
فاضل ۵۰۰ کرون
فاطمه میلانی ۴۰۰۰ کرون
دوستان حزب در ونکور 500 دلار

جمع لیست شماره چهار
۳۵۴۰ یورو

جمع کمک مالی تاکنونی
۳۹۰۶۰ یورو

لیست شماره ۴
امیر زاهدی ۱۰۰ دلار
بهرام کلاه زری ۱۰۰ دلار
جمعی از دوستان حزب در

شماره حساب و آدرس های تماس برای کمک مالی

تلفن تماس در انگلیس، جلیل جلیلی:

۰۰۴۴۷۸۲۸۰۲۵۶۳۸

تلفن تماس در آلمان، محمد شکوهی:

۰۰۴۹۱۷۸۵۳۹۶۵۹۴

تلفن تماس در شرق کانادا: بابک یزدی:

۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

غرب کانادا، عباس ماندگار:

۰۰۱۲۵۰۶۸۶۹۴۳۳

تلفن تماس در آمریکا: ستار نوریزاد:

۰۰۱۲۱۴۵۴۹۶۲۷۱

سوآلی دارید میتوانید با آدرس های زیر تماس بگیرید:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

markazi.wpi@gmail.com

از ایران:

تماس با حزب کمونیست کارگری:

از طریق واتس

آپ و ایمو: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر: انگلیس:

England

Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23

account holder: WPI

branch: Wood Green

Bank: NatWest

IBAN: GB77 NWBK 6024

2345477981

BIC: NWBK GB 2L

تلفن تماس در سوئد، هرمز رها

۰۰۴۶۷۳۹۶۳۴۲۵۱

به حزب کمونیست کارگری کمک مالی کنید

حزب کمونیست کارگری برای تامین هزینه های ویژه ای که در این دوره با آنها مواجه است، به حداقل ۵۰ هزار یورو

نیاز دارد. کلیه اعضا و دوستداران حزب و همه کسانی را که قلبشان برای آزادی از شر حکومت اسلامی

و نظام گندیده آن میتپد فرا میخوانیم که به این فراخوان جواب مثبت بدهند و حزب را یاری دهند.

اطلاعیه خبری

آخر سال و اعتراضات کارگری علیه

طبقه بندی مشاغل نسبت به سایر کارگران پیمانی پالایشگاه شدند. به گفته کارگران اختلاف زیادی در دریافتی های حقوق کارگران پیمانی کارگاه مرکزی پالایشگاه آبادان با سایر کارگران پیمانکاری پالایشگاه همانند کارگران پیمانکاری واحد بهره برداری و آتش نشانی وجود دارد. اعتراض این کارگران سطح نازل حقوقها و عدم پرداخت حق سنوات و عیدی و پاداش آخر سالشان است.

- روز یکشنبه پرسنل بیمارستان خمینی کرج در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و معوقات و عیدی در مقابل استانداری در کرج تجمع کردند.

- روز ۲۵ اسفند کارگران کشتارگاه نهاوند در اعتراض به عدم دریافت ۴ ماه حقوق معوقه و عدم امنیت شغلی مقابل استانداری تجمع کردند.

- روز ۲۵ اسفند جمعی از کارگران عضو تعاونی مسکن شرکت واحد در اعتراض به برآورد نشدن مطالباتشان در مقابل ساختمان معاونت اجرایی حوزه ریاست قوه قضاییه در تهران اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند.

- روز ۲۵ اسفند کارگران فاز ۱۲ پارس جنوبی برای چهارمین روز متوالی در اعتراض به عدم دریافت حقوق معوقه دست به اعتصاب زدند.

پیش بسوی اعتصابات

سراسری کارگری

حزب کمونیست

کارگری ایران

۲۷ اسفند ۹۷،

۱۸ مارس ۲۰۱۹

- روز ۲۷ اسفند شماری از کارگران عملیات غیر صنعتی پتروشیمی در شهرک ممکو (بعثت) ماهشهر، در اعتراض به مطالبات مزدی پرداخت نشده خود، دست به اعتصاب زده و در مقابل ساختمان شرکت در شهرک ممکو تجمع کردند.

- روز ۲۷ اسفند شماری از کارگران شهرداری اهواز در اعتراض به پرداخت نشدن معوقات مزدی و بیمه مقابل استانداری این شهر تجمع کردند.

- روز ۲۷ اسفند کارگران اخراجی میدان نفتی آزادگان شمالی در هویزه که زیر نظر شرکت توسعه نفت فعالیت دارد، با تجمع مقابل استانداری خوزستان خواستار بازگشت به کار شدند. بنا بر خبر یک گروه ۲۳ نفره از کارگران میدان نفتی آزادگان شمالی که حدود یک ماه پیش به دستور مدیرعامل و حراست شرکت مهندسی و توسعه نفت، بعد از گذراندن تمام مراحل اداری، استخدام شده بودند، اخراج شده اند.

- روز ۲۷ اسفند کارگران خدمات شهری منطقه ۶ کرج در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و عیدی تجمع کردند. - روز ۲۷ اسفند گروهی از کارگران شهرداری چرام واقع در استان کهگیلویه و بویراحمد، در اعتراض به معوقات مزدی و بیمه ای خود، در مقابل ساختمان شهرداری این شهر دست به تجمع زدند.

- صبح روز ۲۶ اسفند نزدیک به ۲۱۰ کارگر بخش تعمیرات پالایشگاه آبادان در ادامه اعتراضات شش روز گذشته خود، دست به تجمع زدند و خواستار اجرای طرح

سالی که گذشت سال کارگر و کمونیسم بود

درواقع پرچم مبارزه علیه زندان، علیه شکنجه، و علیه بیدادگاههای جمهوری اسلامی را بدست گرفتند. شعار اداره شورائی از طرف کارگران اعتصابی هفت تپه مطرح شد و حمایت بخش وسیعی از فعالین جنبش دانشجویی و دیگر جنبشهای اعتراضی را بخود جلب کرد. اعتصابات وسیع و سراسری معلمان با خواستههای انسانی ای که مطرح میکنند از جمله رایگان شدن آموزش و پرورش و دفاع از حقوق معلمان و ارتقای کیفیت تحصیل دانش آموزان، اعتصاب سراسری رانندگان و تجمعات اعتراضی بازنشستگان نیز از جمله برآمدهای دیگر جنبش کارگری بود. کل جامعه در سال گذشته میجوشید. اهمیت مبارزات کارگری صرفا از نظر وسعت و کمیت نبود بلکه از نظر کیفی هم جنبش کارگری ارتقا پیدا کرد. جنبش کارگری پرچم کل جامعه را در برابر جمهوری اسلامی بلند کرد و مقامات حکومت را بر سر مساله شکنجه و دادگاهها و بازداشت ها و پرونده سازی های امنیتی و همچنین فساد و دزدی و چپاولگری به مصاف طلبید. از این نقطه نظر این یک تحول کیفی و نقطه اوجی در جنبش کارگری بود. این برآمد جنبش کارگری بهمراف خود کمونیستها، جنبش کمونیستی و احزابی مثل حزب ما را هم در جامعه برجسته و مطرح کرد. و نام حزب و کمونیسم را بر سر زبانها انداخت. در رسانه ها، در گفتمانها، در مدیای اجتماعی و حتی در گفتگوها و اظهار نظرهای مقامات حکومتی نام کمونیسم و نام حزب مطرح شد. معلوم شد

که در ایران کمونیسم و جنبش کارگری درهم تنیده است. یکی از باصلاح جرم های ما، آنچه به نظر رژیم افشاگری از حزب و کمونیسم بود، این بود که ما کمونیستها در متحد کردن کارگران داشته ایم و مبارزات کارگران فولاد اهواز و هفت تپه را متحد و همبسته کرده ایم. اینها ادعای خود رژیم بود. و به این ترتیب جامعه کاملا متوجه شد که کمونیسم و جنبش کارگری رو در روی رژیم قرار گرفته و حکومت را بجالش کشیده است. به این خاطر است که باید سال گذشته را سال کارگر و کمونیسم نامید.

جنبه منفی تحولات سال گذشته دستگیریها و شکنجه ها و سرکوبگری بود که حکومت مثل همیشه مرتکب شد. هنوز اسماعیل بخشی در زندان است، سپیده قلیان در زندان است، جعفر عظیم زاده در زندان است، اسماعیل عبدی در زندان است و بسیاری از کارگران و معلمان مبارز در زندان هستند فقط به جرم حق خواهی و فقط به جرم اینکه از حقوق پایه ای خودشان و کارگران معلمان و بخشهای دیگر جامعه دفاع کرده اند. توحش جمهوری اسلامی را همه میباشند. این رژیم روز اولی که روی کار آمده است همین سیاست و برخورد را به مبارزات کارگران داشته است. سال گذشته هم استثنا نبود.

منتهی در این جنبه هم ما شاهد پیشروی بیشتر مردم بودیم. تعرض کارگران حکومت را به موضع دفاعی راند و حکومت تحت فشار مبارزه کارگران در اعمال سیاستهای سرکوبگرانه اش

محتاط تر شد. امروز اعتراض به شکنجه و پرونده سازیهای امنیتی و بازداشتها و دستگیریها گسترش یافته است و موج تازه ای در دفاع از کارگران زندانی و برای آزادی آنها در حال شکل گرفتن است.

در هر حال سرکوبگری حکومت امر جدیدی نیست، آنچه در سالی که گذشت تازه بود و میتوان گفت نقطه عطفی در مبارزات مردم به شمار میرود عروج کارگر و کمونیسم بود در یک سطح وسیع اجتماعی با پرچم نه به جمهوری اسلامی، نه به شکنجه، نه به زندان و نه به بیدادگاههای حکومتی. این برجسته ترین نکته در تحولات سال گذشته بود.

سیما بهاری: یکی از نکاتی که بوسیله سران جمهوری اسلامی هم مطرح شد حزب بود. منظور من اینجا حزب کمونیست کارگری است. ولی سؤال من در مورد حزب و حزبیت بطور کلی است. پدیده حزب به لحاظ سیاسی چه اهمیتی دارد؟

حمید تقوائی: به نظر من حزب، احزاب کمونیست نظیر حزب ما، نماد و شکل و تجسم آرمانها و خواستها و اهداف انسانی است که جامعه بدنبال آنست. حزب ما حزبی است که برای آزادی و برای برابری و رفاه و انسانیت مبارزه میکند. برای درهم شکستن دیکتاتوری، برای درهم شکستن نظام بردگی مزدی، برای درهم شکستن هر نوع تبعیض در جامعه می جنگد. و این آمل و خواست اکثریت عظیم مردم ایران است. بدون حزب این خواستها و آرمانها در همین سطح آرمان و آرزو باقی میماند. و حکومتی که مقابل

آرمانهای انسانی مردم ایستاده است، و ارتش و زندان و سپاه و دولت و ادارات و نیروهای امنیتی را در دست دارد، میکوبد و در قدرت میماند. حزب این معادله را عوض میکند. حزب آن تشکلی هست، آن نیروی مادی ای هست که به خواستها و آمل و آرزوی انسانی اکثریت مردم یک جنبه مباررانی، عملی و پراتیکی، میدهد و برای تحقق آنها در عرصه های مختلف با حومت درگیر میشود. حزب ما حزب سازمانده مبارزات است. حزب ایجاد اتحاد و همبستگی بین کارگران و زنان و دانشجویان و بخشهای مختلف جامعه است برای رسیدن به اهداف انسانی شان.

ما در تجربیات چند دهه اخیر از جمله در انقلابات موسوم به بهار عرب دیدیم که مردم با خواستههای انسانیشان بمیدان آمدند ولی در غیاب یک حزب انقلابی به اهداف آزادیخواهانه شان نرسیدند. مثلا انقلاب مصر با شعار نان آزادی کرامت انسانی قد بر افراشت ولی دقیقا چون حزبی نبود که این خواست را به سیاست تبدیل کند، به سازماندهی و به یک پراتیک انقلابی تبدیل کند، آن انقلاب توانست به اهدافش برسد. در مورد انقلاب ۵۷ هم که تجربه مستقیم مردم ایران است، دقیقا همین امر صادق است. بنابراین هم تجربه و هم تحلیل و تئوری و هم نگاهی به وضعیت امروز جامعه ایران نشان میدهد که بدون حزب این مبارزات و این آمل و آرزوهای انسانی مردم به ثمر نخواهد نشست و بجائی نخواهد رسید. در سال گذشته حزب و حزبیت به جلو رانده شد و در مرکز توجه قرار گرفت. وقتی کسی مثل اسماعیل بخشی

مقامات حکومت را به مناظره بر سر شکنجه دعوت کرد، وقتی کسی مثل سپیده قلیان اعلام کرد که باید بیدادگاههای اسلامی علنی بشود تا مردم ببینند چه میگذرد، مقامات حکومتی حزب را نشانه گرفتند. علیه حزب "مستند سازی" کردند و حزب ما را "متهم" کردند که حزب گسترش اعتراضات است، حزب و کمونیستها را "متهم" کردند که دست کارگران هفت تپه را در دست کارگران فولاد اهواز گذاشته اند، که راه ایجاد سندیکا را به کارگران آموزش میداده اند و غیره. به این ترتیب خود حکومت کل جامعه را متوجه کرد که حزبی هست که با مبارزات کارگران تنیده شده است. این را مردم بروشنی دیدند و گفتمانی که در مدیای اجتماعی براه افتاد این بود که چرا عضویت در حزب کمونیست کارگری و یا هر حزب دیگری جرم است؟ هر کس باید بتواند عضو هر حزبی که میخواهد باشد و از طریق آن حزب سازمان پیدا کند و اعتراض و مبارزه کند. اینها تبدیل به گفتمان عمومی شد و این به نظر من یکی از نقاط اوج مبارزات مردم علیه جمهوری اسلامی بود. در دل مبارزات کارگری حزب و حزبیت بجلو رانده شد و مقامات حکومتی اعتراف کردند که کمونیستها و حزب کمونیست کارگری

پشت این قضایا است و مبارزه را سازمان میدهد و قصد براندازی دارد و غیره. بخیال خودشان به این ترتیب خواستند پرونده ها را سنگین کنند. خواستند برای کارگران مبارز پرونده سازی کنند ولی از طرف کارگران با شعار مستند سازی دیگر اثر ندارد

مردم سیل زده گلستان و مازندران به کمک فوری نیاز دارند

آدرس های تماس با حزب کمونیست کارگری:



سایت حزب: www.wpiran.org

فیسبوک: www.facebook.com/wpiran

تلگرام: https://t.me/wpi_hkki

کمیته سازمانده حزب

تلفن، واتس آپ و ایمو:

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

ایمیل: tamas.wpi@gmail.com

تلگرام - ادمن: @sazmande

سایت: www.sazmandeh-wpi

تلویزیون کانال جدید

<http://newchannel.tv>

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

تلگرام - ادمن: @kanaljadid

پیامگیر: 0013108569897

کمیته کردستان حزب

سایت: www.iskraa.net

تلگرام:

<https://t.me/komitekordestan>

ایمیل:

nasan.nodinian@gmail.com

فیسبوک

www.facebook.com/komite.kurdistan.wpi

www.facebook.com/komite.kurdistan.wpi

دفتر مرکزی حزب

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

ایمیل: markazi.wpi@gmail.com

کمیته خارج کشور حزب

ایمیل: komitexarej@gmail.com

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۸۵۳۹۶۵۹۴

سازمان جوانان کمونیست

کانال تلگرام:

https://t.me/jk_org/

اینستاگرام:

<http://instagram.com/javanan.komonist>

فیسبوک:

<https://www.facebook.com/cyo.sjk>

یوتیوب:

<https://www.youtube.com/user/sjkiran1>

کمیته آذربایجان حزب

ایمیل:

komiteazarbaijan76@gmail.com

فیس بوک:

facebook.com/sahandazadiwpi

کانال تلگرام: @KSahand

کانال تلگرام انجمن مارکس:

<https://t.me/anjomanmarx>

قبض ها را نپردازید!

میلیون ها نفر فی الحال قبض های آب و برق و گاز را نمیپردازند. شما هم نپردازید.

در هر محله با هم صحبت کنید. تصمیم جمعی بگیرید و از پرداخت قبض ها خودداری کنید.

دولت در مقابل تصمیم جمعی مردم ناتوان است.

از صفحه ۱۳

سالی که گذشت سال کارگر و کمونیسم بود

جواب گرفتند. پاسخ فعالین و کاربران در مدیای اجتماعی نیز این بود که بر فرض هم فعالین عضو این یا آن حزب باشند، این جرمی نیست و عضویت در احزاب باید آزاد باشد. به نظر من این تحول نقطه عطف مهمی در شرایط و فضای سیاسی ایران و یک گام بزرگ به پیش بود. *

حزب کمونیست کارگری ایران

۲ فروردین ۱۳۹۸

۲۲ مارس ۲۰۱۹

دهها هزار نفر در اثر سیل در استان های گلستان و مازندران آسیب دیده اند. هزاران نفر بی خانمان شده اند و طبق گفته مقامات حکومتی حداقل ۵۰۰ مسکن تخریب شده است. اما مسئولان حکومت اعلام کرده اند که تنها ۲۹۵ نفر اسکان موقت داده شده و برای ۳۴۷ نفر اسکان اضطراری در نظر گرفته شده است! کمترین امکانات در اختیار سیل زدگان قرار گرفته است. معاون سیاسی امنیتی استاندار گلستان گفته است دسترسی به ۲۲ هزار عشایر گلستانی امکان پذیر نیست و عمق فاجعه هر لحظه بیشتر میشود. حکومتی که میلیاردها دلار

حزب کمونیست کارگری مردم در سراسر کشور را فرامیخواند که مستقیماً به یاری سیل زدگان بشتابند و با دست زدن به اعتراض جمهوری اسلامی را وادار کنند امکانات فوری و لازم را برای نجات سیل زدگان و کمک رسانی به آنها اختصاص بدهد. مسکن، غذا و پوشاک و امکانات دارویی لازم باید فوراً توسط حکومت تامین شود، مسکن های آسیب دیده بطور کامل باید توسط حکومت بازسازی شود، و کلیه خسارت هایی که مردم دیده اند جبران شود.

روشن است که جمهوری اسلامی و رسانه های منفورش ابعاد مساله را هیچوقت بیان نمیکند. دهها هزار نفر احتیاج به کمک فوری دارند. جمهوری اسلامی را باید در سراسر کشور تحت فشار قرار داد که بلافاصله کمک های لازم را تحت نظارت خودم مردم به سیل زدگان اختصاص دهد.

مصائب سیل تماماً به عهده حکومت است. جمهوری اسلامی ۴۰ سال فرصت داشته است که با اقدامات پیشگیرانه از صدمات سیل در این استانها جلوگیری کند. میتوانست از قبل به فکر تامین کمک رسانی فوری به